

آقای دکتر شما تا مقطع دکترا در ایران علوم سیاسی خواندید و امروز در مسند اقتصاد در کشور افغانستان نشستید. از شروع فعالیت‌هایتان بگویید، از روزهایی که این کشور دچار اشغال توسط امریکایی‌ها بود و شما قطعاً دانشجویی بودید که امید به آینده افغانستان داشتید.

بر اثر مطالعات دوران دانشجویی از امریکایی‌ها، قدرت‌های مداخله‌گر و نظام سلطه، از سیاست خارجی امریکا در آسیای میانه، خاورمیانه یا غرب آسیا، جنوب آسیا و قفقاز شناخت کامل داشتم، به همین دلیل بود که من در زمان دانشجویی‌ام هم به شدت مخالف حضور و اشغال افغانستان توسط امریکایی‌ها بودم و هم حضور امریکا و ناتو را نه تنها امنیت‌ساز نمی‌دانستم بلکه مخل امنیت ارزیابی می‌کردم و در زمانی که قرارداد امنیتی بین افغانستان و امریکا به امضا رسید و قرارداد استراتژیک و امنیتی در نهایت توسط پارلمان وقت افغانستان تصویب شد، من از منتقدان و مخالفان جدی بودم. در آن زمان یادم است یک ویژه‌نامه‌ای را توسط نویسندگان مختلف با استدلال‌های علمی و منطقی و عقلانی ما تدوین کردیم و آن را در اختیار اکثریت قریب به اتفاق اعضای مجلس نمایندگان افغانستان و رسانه‌ها قرار دادیم. در آن زمان رسانه‌ها هم بیشتر تحت تسلط امریکایی‌ها بودند و امریکایی‌ها از طریق امپراطوری رسانه‌ای و قدرت نرم می‌خواستند افکار عمومی را در افغانستان آماده حمایت از آن قرارداد کنند. بسیاری از وکلای قبل‌تر از آن زمان در میزگردها اعتراف کردند که آن دیدگاهی را که شما مطرح می‌کردید درست بود و بعد از امضای قرارداد امنیتی بین افغانستان و امریکا، وضعیت امنیتی در افغانستان روز به روز خراب‌تر شد.

چه عاملی آقای دکتر باعث می‌شد که آن روز عده‌ای مدافع این قرارداد باشند و این اتحاد را برای افغانستان مورد پیشرفت و ترقی قرار بدهند.

امریکایی‌ها همان‌گونه که شماری از حاکمان افغانستان را وابسته به خود ساخته بودند در اثر تلاش‌های استخباراتی، اطلاعاتی، امنیتی و همچنین رسانه‌ای که داشتند، شماری از کنشگران افغانستان را نیز تحت تأثیر قرار داده و در خدمت خود گرفته بودند و این البته یک پدیده‌ای جدید و تازه نیست بلکه قدرت‌های استعماری در هر نقطه دنیا این کار را می‌کنند چون امروزه ما سه نوع سلطه داریم؛ یک سلطه کلاسیک است که از طریق اشغال یک سرزمین، قدرت‌های استعمارگر و مداخله‌گر و نظام سلطه می‌خواهد اهداف خود را به پیش ببرد، دوم سلطه مدرن است که از طریق وابسته ساختن حاکمان یک کشور می‌خواهد به مقاصد سیاسی خود دست پیدا بکند و مورد توجه و دقت نظر قرار بدهد، سوم سلطه پسامدرن یا

امریکایی تنها
اهداف‌شان
خلاصه به
جغرافیای
افغانستان

نمی‌شد بلکه در
سطح منطقه و
حتی فرامنطقه
می‌خواستند

هژمونی خود را
همچنان تداوم
بخشند. از جمله
از طریق افغانستان
می‌خواست حیات
خلوت امنیتی
روسیه را در آسیای
میانه با چالش
روبه‌رو سازد